

دکتر جواد هروی
استادیار گروه تاریخ
دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد
Heravi_javad@yahoo.com

قلع اسماعیلیه در جنوب خراسان (قلعه کوه قاین)

چکیده:

امروزه ارتباط میان علوم مختلف به گونه‌ای جدی است که نمی‌توان بررسی و تحلیل مبحثی در یک زمینه علمی را بدون در نظر داشتن مطالعات سایر علوم امکان‌پذیر دانست. مطالعات زمین‌شناسی و تاریخ هم از این مقوله بیرون نیست و می‌توان پیوند زمان و مکان را در آن مشاهده کرد. به گونه‌ای که نمی‌توان در روند بروز تحولات تاریخی، از تأثیرات مهم طبیعت و ناهمواری‌های خاک و زمین غفلت نمود. در این پژوهش، ضمن بررسی این تأثیرات حیاتی، به یک بنای مهم تاریخی به نام قلعه آرتاگوانا که میراث از طبیعت کوهستان و تحولات تاریخی دارد و ارتباط مذکور، کاملاً در آن دیده می‌شود، می‌پردازیم. قلعه‌کوه یا همان آرتاگوانا، میراث با شکوه طبیعی- انسانی به یادگارمانده از اعصار باستان و عهد هخامنشیان است که در منطقه تاریخی قهستان در جنوب خراسان، روزگار درازی را در استواری و جبروت سپری کرده است. این قلعه در قرون نخستین اسلامی، به عنوان یکی از مهمترین پناهگاه‌ها و مراکز تبلیغی زرتشتیان و سپس در قرون بعد، از مراکز مهم فعالیت اسماعیلیان ایران در جنوب ولایت خراسان به شمار می‌رفت. تا جایی که تألیف آثاری در آن همچون اخلاق ناصری توسط خواجه‌نصیر طوسی حکایت از اهمیت در خور توجه آن می‌کند. آنچه این بنا را به عنوان یکی از مراکز قابل توصیه جهت جذب توریسم، شاخص می‌سازد، چشم‌انداز و موقعیت طبیعی این قلعه از یک سو و از دیگر سو، ابنیه و آثار به‌جای‌مانده معماری اعم از فضاهای یک طبقه یا دو طبقه و تعبیه سنگرها، آب انبار، اصطبل و دیواره‌های آن است. سه امتیاز اساسی قلعه مذکور عبارتند از: سابقه باستانی و تاریخی این بنا به عنوان یک مرکز مؤثر در تحولات سیاسی و فکری سرزمین خراسان و قابل قیاس با قلعه الموت؛ موقعیت زیبای طبیعی این مکان با فضایی تسطیح‌شده در بالای کوهی به ارتفاع بیش از پانصد متر؛ ابنیه معماری به‌جای‌مانده از این قلعه که حاکی از رونق آن در ادوار مختلف داشته است.

کلیدواژه‌ها: ایران، خراسان، قهستان، قلعه‌کوه، اسماعیلیان، محتشم قاینی.

مقدمه:

مکان و زمان یا طبیعت و انسان، چنان به یکدیگر وابسته‌اند که نمی‌توان حادثه‌ای تاریخی را بدون دخالت یکی از این دو زمینه مطالعه و بررسی کرد. بر همین اساس نیز زمین و ناهمواری‌های آن را بستر ساز و گهواره رویدادهای تاریخی می‌توان دانست که در تحقیقات محققان ایرانی به عنوان یک موضوع جدید باید مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. البته جایگاه ژئومورفولوژی در پدید آمدن حوادث تاریخی، تاکنون چندان مورد توجه محققان ایرانی واقع نشده است و نقش چشمگیر آن همچنان فراموش می‌شود. لذا در تحقیق حاضر تلاش می‌گردد تا تلفیق علم زمین‌شناسی و علم تاریخ در پهنه رویدادهای تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. سوالات بسیاری در این زمینه وجود دارد:

چرا انسانها در اکثر زمان‌ها، به مکان توسل جسته و از ویژگی‌های مکانی در فعالیت‌های زمانی سود برده‌اند؟

دلایل توجه بشر به ژئومورفولوژی در لحظات حساس تاریخ چه بوده است؟
انتخاب قلاع صعب‌العبور همچون قلعه الموت، قلعه فلک‌الافلاک و قلعه آرتاگوانا، بر اساس چه ویژگی‌هایی صورت گرفته است؟

بازتاب رونق و سامان یافتن قلعه آرتاگوانا بر تاریخ تحولات سرزمین ایران چه بوده است؟
و بسیاری سوالات دیگر را در بحث حاضر می‌توان جستجو نمود. همچنان که فرضیاتی نیز بر این موضوع می‌توان ارائه کرد:

ژئومورفولوژی اگرچه گاه اسباب ناخشنودی مردم را فراهم می‌کند، لیکن گاه در بسیاری مواقع هم موجب سودرسانی بوده است. انسان در برابر سختی‌های روزمره، به دامن اقلیم و طبیعت خود پناه می‌برده است. اتکاء بر مختصات زمین و ناهمواری‌های آن از سوی گروهی، موجبات تغییر روند تاریخ شده است.

بدین ترتیب اهداف اساسی که در پژوهش حاضر مدنظر قرار می‌گیرد آنست که با اشاره به یک نمونه مشخص از قلاع ایرانی و بررسی دلایل انتخاب و توجه به آن قلعه و تغییر سیر رویدادهای تاریخی ایران در آن مقطع از زمانی روشن گردد که انتخاب قلاع، بر اساس یک رشته مطالعات نه بر اساس تصادف انجام گرفته است. همین نکته می‌تواند بهترین توجیه برای تکیه بر صنعت توریسم در این نواحی از ایران نیز باشد. معرفی جاذبه‌های گردشگری در عصر

حاضر، یکی از مهمترین راه‌های آشنایی مردم غیربومی و فراتر از آن شناسایی فرهنگ و تمدن یک منطقه به جهانیان محسوب می‌گردد. مشروط بر آنکه این معرفی برخوردار از برجستگی-هایی قابل ملاحظه برای اهل تحقیق و پژوهش و حتی گردشگران داخلی و خارجی باشد. در این میان، یکی از نقاطی که در تاریخ طبیعی، سیاسی و در عرصه هنر معماری ایرانی قابل مطالعه بوده و به جهت صعب‌العبور بودن، هنوز بکر و دست‌نخورده به جای مانده است و همت پژوهشگران پرتلاش را جهت معرفی آن می‌طلبد، قلعه کوه قاین است. خشت، خشت این بنا، به شیرینی هر چه تمامتر، روایت‌گر تحولات عدیده‌ای است که بر این مکان گذشته است و به نحوی عینی، بازگوکننده دگرگونی‌های این منطقه‌ی پر حادثه از تاریخ سرزمین ایران می‌باشد. با وجود فرازونشیب بسیاری که این قلعه تاریخی از سر گذرانده است، لیکن هنوز چندان به غربال محققان نیفتاده و در نظر تیزبینان پژوهشگر درنیامده است. جای تأسف دارد که این اثر شگرف طبیعی-انسانی، ناشناخته در گوشه‌ای از سرزمین کهن خراسان تحت عنوان قهستان، از منظر مطالعه به دور مانده است. موقعیت بسیار مناسب این قلعه به دلیل همجواری با ترانزیت اصلی جنوب خراسان و تلاش‌هایی که از سوی سازمان میراث فرهنگی جهت مرمت و بازسازی برخی قسمت‌های این قلعه صورت یافته است، این مکان را کاملاً در دسترس بازدیدکنندگان اعم از علاقمندان به کوهستان، دوستداران تاریخ، هنرمندان عرصه معماری و ... قرار می‌دهد. قلعه مذکور از جاده اصلی قابل مشاهده و فاصله اندکی جهت حضور در آن وجود دارد که حتی افراد مسن را نیز به سادگی پذیرا خواهد بود. برخی از هیأت‌های کارشناسان برجسته نیز از اینجا دیدار کرده‌اند. لیکن نتایج این بازدیدها چندان غنی نبود و در دسترس علاقمندان قرار نگرفت. هیأتی به سرپرستی گلداسمیت در سال ۱۸۷۲ میلادی به همراهی دکتر بلو از اینجا بازدید کرده‌اند. در سال ۱۹۷۲ نیز از دانشگاه هوکایدو، هیأتی ژاپنی برای بازدید از این قلعه به این منطقه آمده‌اند.



۱- موقعیت جغرافیایی قلعه کوه:

شناخت مشخصات طبیعی و زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای مطالعه یک ناحیه و بررسی امکانات بالقوه یک منطقه است. پیشرفت یا عقب‌ماندگی یک ناحیه بی‌ارتباط با محدوده جغرافیایی در بستر تاریخ نیست. لذا شناسایی روابط متقابل انسان و محیط طبیعی و اقلیمی پیرامون، کاملاً درخور بررسی و تحقیق می‌باشد. آدمی با بهره‌گیری از توانایی و استعداد های خود، به شناخت محیط اطرافش می‌پردازد و در طی زمان بتدریج تغییراتی دلخواه، اما سنجیده در راستای زندگی مطلوبتر خویش به وجود می‌آورد.

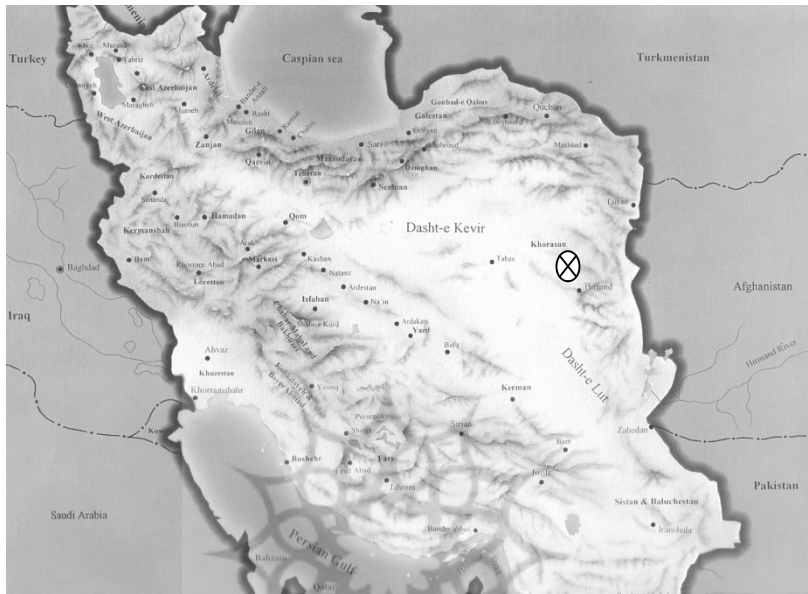
ناحیه قاین در جنوب خراسان، در شرق ایران نیز از این رابطه زمین‌شناسی و انسانی برخوردار است. مردمان این منطقه در طی هزاران سال، به سازگاری با محیط طبیعی خود پرداخته‌اند و در این مسیر به تکاپوهای زیبایی در رابطه با کشف استعدادهای طبیعی منطقه خود برداشته‌اند. این شهرستان دارای ۱۴۴۰ متر ارتفاع از سطح دریا است و در (۳۰-۴۳-۳۳) عرض شمالی و (۴۵-۱۱-۵۹) طول شرقی است.^۱ مشرف به شهر قاین کنونی و بر کرانه شرقی مقبره بوذرجمهر، رشته کوهی از هزاره سوم زمین‌شناسی خودنمایی می‌کند که به جهت اتصال

به دیگر ارتفاعات این منطقه (شهر قاین را چون نگینی در میان خود گرفته است)، وجه تسمیه کوهستان که بعدها معرب به قهستان شد را به خود گرفته است.^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم

لذا بلندای زمین‌های این ناحیه نسبت به سرزمین‌های پست اطراف، موجب اطلاق نام خاص مأخوذ از وضع طبیعی و زمین‌شناسانه بر این سرزمین در طول تاریخ شده است.^۳



چنان‌که در تاریخ ادبیات فارسی بدان اشارت رفته است.^۴ فردوسی طوسی نیز در شاهنامه از عظمت و اهمیت منطقه کوهستانی قهستان یاد می‌نماید.^۵

قدیمی‌ترین سازند زمین‌شناسی دشت قاین تعلق به (پره کامبرین) دارد و از گرانیت، گنایس و سنگ‌های دگرگونی تشکیل شده است. این سازندها در کوه زول واقع در جنوب حوضه رخنمون قرار دارد. سازندهای دوران دوم زمین‌شناسی که گسترش زیادی هم در منطقه دارد از آهک (ژوراسیک و کرتاسه) و تناوبی از شیل و ماسه سنگ درست شده است. این سازندها بخش وسیعی از ارتفاعات جنوب غرب و شرق حوضه را می‌پوشانند. نهشته‌های دوران سوم زمین‌شناسی از سنگ‌های آذرین (آندزیت، توف)، ماسه‌سنگ و کنگلومرا تشکیل می‌شود و بیشتر در شمال شرق حوضه رخنمون وجود دارد. دوران چهارم از تراسها، مخروط-افکنه‌ها، لس و ماسه بادی تشکیل شده است که در دشت و دامنه ارتفاعات دیده می‌شود.^۶

قلعه آرتاگوانا بر فراز کوهی در جنوب شرقی و مشرف بر شهر قاین در فاصله حدود دو-هزار متری از آن واقع شده است. بلندترین نقطه این ارتفاعات با ۲۰۴۴ متر ارتفاع از سطح دریا و با فاصله سه‌هزار متری از قلعه قرار دارد. این کوه‌ها از رسوبات آهکی دوره کرتاسه فوقانی تشکیل شده است. شکست‌های عمدتاً شمالی - جنوبی و ندرتاً شرقی - غربی موجب چین و شکست‌های فراوان در آن شده است. از لحاظ واحدهای مستقل تکتونیکی (زمین-ساختی)، این کوه‌ها تعلق به واحد تکتونیکی لخدیزوک دارد. در کوه مجاور به قلعه‌کوه (کوه ابوزر)، که سنگ آهکی است، فرسایش تافونی (لانه زنبوری) کاملاً مشاهده می‌شود.^۷

این کوهستان برخوردار از دو چهره کاملاً متفاوت از نظر ژئومورفولوژی است: اول، بخش مرتفع و کوهستانی که عمدتاً از شمال غربی تا جنوب غربی و جنوب این شهرستان کشیده شده است. دوم، بخش کم‌ارتفاع و نسبتاً مسطح که در حواشی شمال شرق و شرق قرار گرفته است.^۸

برخی از محققان، قاین را با ناحیه آرتاگوانا یا همان کاخ و حصار پادشاهان ایران باستان یکی دانسته‌اند و بر قلعه مشرف بر آن نام آرتاگوانا نهاده‌اند.^۹

این قلعه در حصار طبیعی از جنوب و شرق به کوهستان محدود و از غرب و شمال بر دشت قاین کاملاً اشرف دارد. کوچکترین حرکتی در این ناحیه از دیده به دور نمی‌ماند و حتی بالارفتن از طریق این قسمت نیز ناممکن و یا بسیار سخت است. احداث سنگ‌های دفاعی و

دیواره‌های سنگی در این قسمت، دستیابی به درون آن را کاملاً نامقدور می‌سازد. ارتفاع این کوهستان، حدود دوهزار متر از سطح دریا و برخوردار از متوسط باران سالیانه ۱۷۰-۸۰ میلیمتر است. بنابراین امکان دسترسی بر این قلعه فقط از دره پشت میسر است. از همین روی، بیشتر موانع، سنگرها و دیواره‌های دفاعی بلند، در این قسمت احداث شده است.^{۱۰}

به گفته برخی از مورخان، این منطقه از دو وضعیت ناهمگون طبیعی برخوردار است، سرزمینی پهناور که هشتاد فرسنگ در هشتاد وسعت داشته و بیشتر آن را ارتفاعات کوهستان و دشتهای کویری دربرمی‌گیرد.^{۱۱} این قلعه از جمله اماکنی می‌باشد که در میان چنین کوه‌های پراکنده و در منطقه‌ای که کوهستان بر دشت غلبه دارد، به روایت تاریخ، توسط سام‌بن‌نریمان ساخته است.^{۱۲} هر چند همین موقعیت صعب‌العبور کوهستانی منطقه، به همراه دشت وسیع

کویری آن موجب شده است تا برخی قهستان را ولایتی کوچک و فاقد اهمیت و اعتبار اجتماعی و سیاسی لازمه در جنوب خراسان در عصر باستان بدانند.^{۱۳} البته این به معنای کم جلوه‌دادن موقعیت آن نیست. چنان که برخی از سیاحان اروپایی چون مارکوپولو، این منطقه را ولایتی مستقل و متشکل از دو شهر آباد، تون و قاین دانسته و بدین اعتبار بدان تونوکاین گفته‌اند.^{۱۴}



یکی از نویسندگان قرن چهارم/دهم میلادی، به ناامنی این منطقه از هزار سال پیش خبر می‌دهد و می‌گوید که دزدان و

حرامیان از دیگر بیابان‌های اطراف سرازیر می‌گردند و به غارت قافله‌ها مبادرت می‌کنند.^{۱۵} بی‌سبب نخواهد بود اگر به مناسبت فقدان نظارت حکومت‌های مرکزی بر این منطقه، امکان سلب امنیت در برخی از مواقع در تاریخ فراهم شده باشد و مدعیان قدرت، ادعای حضور بر برخی نواحی این ولایت را نموده باشند. از جمله می‌توان به حضور قدرتمندانه اسماعیلیان در این منطقه به ویژه استقرار در قلعه کوه قاین اشاره کرد.

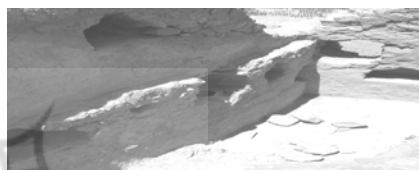
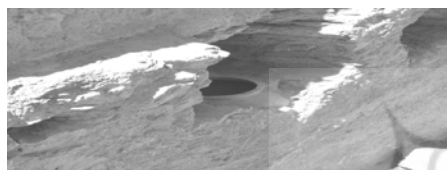
نکته قابل اهمیت در اقلیم این منطقه که می‌تواند توجه به ارتفاعات و ساختن قلاع استوار در آن را توجیه کند، این است که ناهمواری‌های این منطقه را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ۱- نواحی کم‌ارتفاع که دارای اقلیم بیابانی است. ۲- نواحی مرتفع و کوهستانی که دارای اقلیم نیمه‌بیابانی و برخوردار از بارش‌های بیشتر است. شاید مهمترین دلیل انتخاب این ارتفاعات و ساختن قلعه‌ای مستحکم در آن، همین موقعیت مناسب اقلیمی نسبت به دشت‌های خشک اطراف بوده است.^{۱۶}

منطقه خراسان با توجه به موقعیت ترانزیتی خود، در معرض تهاجمات فراوان در طی روزگاران مختلف بوده است. این ناامنی در برخی از نواحی که از نظارت حاکمان ایالات دور بوده‌اند (مثل قاین) اسباب توجه مردمان به سکونتگاه‌های امن و پناهگاه‌های استوار را فراهم نمود. دفاع در مقابل دشمنان و هجوم بیگانگان، سبب اصلی در انتخاب صحیح و از روی تدبیر، برای ساخت یک قلعه در این مکان بوده است. قلعه، محل مناسبی بر فراز ارتفاعات یک منطقه محسوب می‌شد که توان پناهجویی را به مردمان برای مدت زمان طولانی می‌داد. بدین ترتیب توسل به طبیعت و برجستگی‌های زمین‌شناسی، مهمترین دلیل توجه به قلعه‌سازی خصوصاً در منطقه جنوب خراسان در شرق ایران بوده است. دلیل اصلی بر این ادعا، وجود قلعه‌هایی متعدد در این منطقه است که به سان قلعه‌کوه قاین (آرتاگوانا) از استحکام لازم برخوردار و موقعیت مناسبی را برای پناه‌جستن فراهم می‌ساخت. قلاع ساخته‌شده در منطقه قهستان در طی هزاران سال را می‌توان به پنج بخش تقسیم نمود که در هر کدام چندین قلعه استوار قرار دارد و از سوی اسماعیلیان معروف به حشاشین یا قرمطیان یا فداییان اسماعیلی بنا شده‌اند:

- ۱- قلاع قاینات شامل قلعه‌کوه (آرتاگوانا)، قلعه چهل‌دختر، قلعه کوه جزنان، قلعه کوه سراب (چاده)، قلعه کوه خضری.
- ۲- قلاع فردوس (تون) شامل قلعه دختر بشرویه، کوه‌قلعه، قلعه حسن‌آباد.
- ۳- قلاع گناباد مشتمل بر قلعه شوراب دختر، قلعه مزار بجستان، قلعه زبید.
- ۴- قلاع بیرجند و نهبندان شامل قلعه شاهدژ، قلعه دره، قلعه دختر خوسف، قلعه مومن‌آباد، قلعه فورگ، قلعه خور، قلعه زری، قلعه دختر گاوپیچ.
- ۵- قلعه اسماعیلیه طبس یا خروان.

۲- تثبیت و استقرار اسماعیلیان در قلعه کوه:

هر چند پیشینه تاریخی این قلعه به هخامنشیان و سپس پناهجویی زردتشتیان در آن باز می‌گردد، لیکن امروزه بیشتر، آن را به عنوان محل استقرار اسماعیلیان می‌شناسند. منابع تاریخی نیز این نکته را تأیید می‌کند که قلعه کوه قاین از جمله مهمترین مراکز قدرت اسماعیلیان در ایران به شمار می‌رفته است. چنان که پس از ظهور حسن صباح، ملکشاه سلجوقی، یکی از سرداران خود به نام قزل ساروغ را جهت تثبیت و انتظام امور قهستان، بدان منطقه اعزام نمود تا به دفع اسماعیلیان نزاری به مرکزیت این قلعه برخیزد.^{۱۷} پیش از این غوغا، این ناحیه تحت استیلای خاندان سیمجوریان قرار داشت و از آرامش نسبی برخوردار بود.^{۱۸}



اما ویژگی‌های خاص طبیعی این قلعه، اسماعیلیان را بر آن داشت تا ضمن پناه‌جستن در آن، این قلعه را مأمن مناسبی برای تثبیت خویش و مرکزی جهت عملیات سیاسی و دینی خویش در شرق ایران در آورند. گزارشات برخی مورخان، حاکی از بسط و رونق اسماعیلیان و توجه آنان به نواحی کوهستانی برای ایجاد حصارهای دفاعی و قلاع نظامی در منطقه قهستان و خاصه در حوالی شهر قاین امروزی است.^{۱۹} به همین دلیل نیز پس از اینکه دعوت حسن صباح آغاز گردید، دعوت باطنی در منطقه قهستان نیز بلافاصله از سوی او دنبال شد. وی در سال ۴۸۴/هـ ۱۰۹۲م، یکی از داعیان خویش به نام حسین قاینی را به دعوت قهستان و استقرار در قلعه کوه قاین فرستاد.^{۲۰} این دعوت از سوی گروهی انبوه اجابت شد و عملاً قلعه کوه قهستان، یکی از قلاع معتبر و برجسته اسماعیلیان نزاری در ایران گردید. تا به جایی که این قلعه بعدها در شمار مراکز علمی و فرهنگی بسیار غنی ایران قرار گرفت و از کتابخانه و مراکز فرهنگی ارزنده و جامعی برخوردار شد. کتاب‌های بسیاری از اطراف و اکناف ایران و حتی جهان اسلام به این قلعه سرازیر شد. این تمهیدات موجب گردید تا به تدریج این قلعه، مرکزی

جهت نگارش آثار برجسته علمی و اخلاقی در عرصه‌های مختلف همچون حکمت و فلسفه گردد.

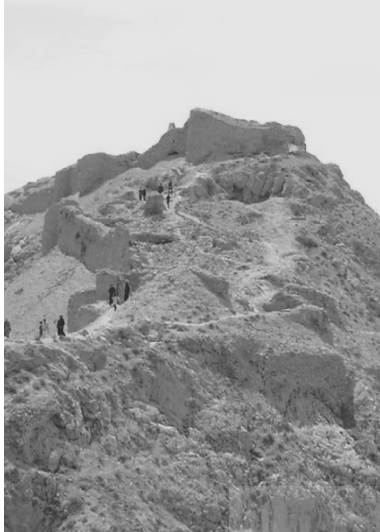
بنابراین شکی نمی‌ماند که در این قلعه کوهستانی با وجود صعب‌العبور بودن زمین، زمینه‌های شکل‌گیری یک مرکزیت علمی نیز شکل می‌گرفت. حکام اسماعیلی این قلعه به تدریج بر بساط علمی افزودند و از فرزندگان و مشاهیر علمی روزگار خویش جهت حضور در این قلعه و استفاده از ظرفیت‌های آنان دعوت به عمل آوردند. رشد ترجمه کتب اخلاقی و فلسفی از عربی به فارسی یکی دیگر از کوشش‌های داعیان این قلعه به شمار می‌رفته است.^{۲۱}

دعوت از خواجه نصیرالدین طوسی جهت استفاده از کتابخانه بزرگ این قلعه و همچنین استفاده از محضر خواجه برای داعیان، بالاخره میسر گردید و او که در طوس به سر می‌برد، به سبب آوازه علمی این قلعه بدان رو نمود. برخی از منابع موثق تاریخی، حضور خواجه نصیر-الدین طوسی را در قلعه کوه قاین در این زمان، بر حسب اقتضای زمان دانسته‌اند.^{۲۲}

خواجه در خدمت ناصرالدین محتشم قهستان در آمد و به ترجمه و تألیف کتاب آغاز کرد. منجمه به تشویق ناصرالدین، کتاب الطهاره، تألیف ابن مسکویه را از عربی به فارسی برگردانده و اضافات و الحاقات چندی را بر آن افزود و به نام ناصر محتشم قاین، آن را به نام اخلاقی ناصری به نگارش در آورد.^{۲۳} حتی خواجه نصیر قصیده‌ای در مدح المستعصم بالله، خلیفه عباسی نوشت و به درگاه خلافت ارسال نمود. همین قضیه موجب اتصال رابطه سیاسی وزیر خلیفه و دستگاه خلافت با قلعه قهستان را فراهم نمود و مکاتبات چندی میان وزیر خلیفه (ابن علقمی) و ناصرالدین محتشم و خواجه نصیر صورت پذیرفت.^{۲۴}

اگرچه همین مکاتبات موجب طرد خواجه نصیر از قلعه قاین گردید و پس از چندی چون ناصرالدین بر او بدگمان شد، وی را با خود به قلعه الموت برد تا اینکه در نهایت با هجوم مغولان به قلاع اسماعیلیه، خواجه نصیر نیز آزاد شد و در خدمت هولاکوخان در آمد.^{۲۵}

به این تربیت وجود نمونه‌هایی چون خواجه نصیر، خود گواه روشنی بر رونق این قلعه در ادوار مختلف تاریخی می‌باشد. چه اینکه شخصیت‌های بسیاری نیز در این منطقه و در این قلعه به سر برده‌اند که تنها نام بردن اسامی آنها خود حدیث مفصل طلب می‌نماید.^{۲۶}



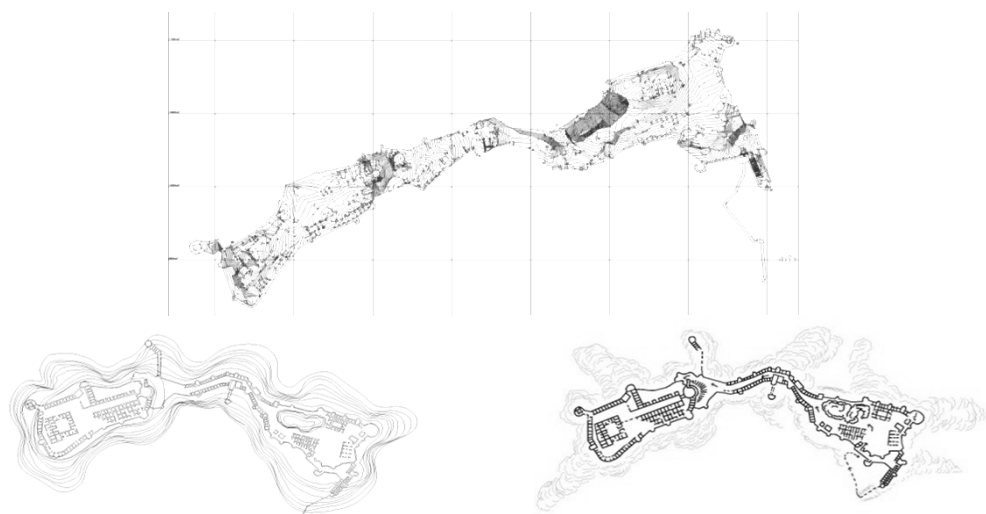
کافی است اشاره شود که ناصر خسرو در سفر به شهر قاین آورده است که مردی را دیده که از هر علمی باخبر بود، از طب، نجوم و منطق گفتگوی مفصلی نیز با این مرد انجام داده است که در سفرنامه‌اش بدان اشارت می‌کند.^{۲۷}

این همه نشان می‌دهد که شاید این ناحیت از خراسان، به سبب وجود داعیان اسماعیلی در قلعہ کوه قاین، از رشد و بالندگی علمی بیش از سایر مناطق برخوردار بوده است. ظاهراً در ادوار بعدی چندان اخبار روشنی از این قلعہ بدست نمی‌آید و هجوم مغول، موجب شد تا هر آن چیزی که رنگ

تعلق به اسماعیلیه داشته باشد را مطرود کند. لذا این قلعہ نیز خاطره شکوه خود را به تدریج از دست داد و با نزدیک شدن به روزگار ما، روز به روز بر تخریب آن افزود گشت. البته در سال- های اخیر از سوی سازمان میراث فرهنگی، تلاشهای مطلوبی جهت ترمیم و بازسازی فضای این قلعہ صورت پذیرفته است به گونه‌ای که می‌توان در حال حاضر پذیرای گردشگران داخلی و خارجی از آنجا بود.

۳- مشخصات بنا و مواد و مصالح آن:

قلعہ مذکور در وسعتی طولی حدود بیش از پانصد متر و در عرض بسیار کمتر، بر روی ارتفاعات بنا شده است، (پلان قلعہ به پیوست می‌آید). این محوطه خود به چندین محوطه‌ی کوچکتر که ظاهراً کاربردهای متفاوتی داشته‌اند تقسیم می‌شده است. این کاربردها از قبیل نظامی و محل استقرار جنگاوران، مسکونی و محل آسایش اهل قلعہ، فرهنگی یا محل تدریس و آموزشی و کتابخانه و همچنین محل نگهداری حیوانات سواری و بارکش نظیر اسب و قاطر بوده است. وجود ساختمان‌هایی یک طبقه و دوطبقه به خوبی در حال حاضر نیز مشهود است. وجود اتاق‌های متعدد به ابعاد گوناگون با پوششی از چوب کاملاً قابل تأیید است.



سنگ مورد نیاز برای ساختن دیوارها و اتاق‌های این قلعه، به راحتی از کوه‌های اطراف که دارای سنگ‌های مستحکم و حتی معادن متعدد بود، تأمین می‌شد. وجود معادن مختلف سنگ-های فلزی و غیرفلزی در اینجا، نشان‌دهنده آشنایی پیشینیان با غنای زمین‌شناسی این منطقه بود. وجود معادن سرب، مس، گچ سفید، منیزیت، سنگ سیلیس، سنگ عقیق، معدن بنتونیت، معدن تراورتن، معادن سنگ مرمر و سنگ آهک در اینجا می‌تواند دلایل مهمی بر توجه به ابنیه سازی در کوهستان و ارتفاعات قاین از گذشته‌های دور تاریخی باشد.^{۲۸}

سقف‌های اتاق‌های قلعه آرتاگوانا از نوع ضربی و ملاط آنها از گچ و آهک است. در بعضی از دیوارهای درونی قلعه، مخلوط گچ و گاه برای نمای داخلی و حتی تزیین به کار رفته است. وجود پتانسیل‌های فراوان از سنگ و خاک و سایر مصالح مورد نیاز در دسترس، مهمترین عامل برای ساخت و سازهای متعدد در قلاع قاین بوده است. به همین سبب نیز قلعه آرتاگوانا در طی هزاران سال، چندین بار بازسازی و مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین در قلعه کوه مذکور، تأثیرات محیطی و زمین‌شناسی برای ساخت این قلعه کاملاً موثر بوده است.



این ساختمان‌ها و اتاق‌های آن از سنگ، آجر، گچ و ملات ساروج ساخته می‌شده‌اند. آب مورد نیاز نیز در فصل بهار از باران در آب انباری به عمق پنج متر، طول چهار و عرض سه متر که از آجر و گچ تعبیه شده بود تأمین می‌گشت. استفاده از گل و کاه‌گل در ساخت دیوارها در سطح قلعه قابل رویت است. سقف بسیاری از اتاق‌ها نیز ظاهراً از گچ و آهک بوده است. آنگونه که نگارنده از نزدیک این قلعه را دیده است، اتاقی دو طبقه نمایان است که ظاهراً می‌بایستی جهت مدرسه برای ساکنین ساخته شده باشد.

در تمام سطوح دیوارها، معماری به نحوی بوده است که لابلائی آجر و سنگ‌ها نیز بندکشی شده است. وجود ظروف شکسته و قطعات سفال رنگین به صورت انبوه در سطح محوطه قلعه، حکایت از وجود زندگی دراز مدت در این مکان دارد.

حاصل سخن:

قلعه آرتاگوانا، آشتی میان مکان و زمان و محصول تلاش مشترک انسان و طبیعت در منطقه قاین است که در طول تاریخ برای چندین نوبت، بازسازی و تکمیل شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل انجام گرفته در این پژوهش، ساخت این قلعه تصادفی نبود بلکه کاملاً از سر محاسبات دقیق زمین‌شناسی و معدنی صورت گرفته است.

قلعه‌کوه قاین را می‌توان از مهمترین مراکز فرهنگی و حتی تمدنی شرق ایران به شمار آورد که نقش بس چشمگیری در رشد علمی و دینی سرزمین ایران داشته است. نقش پررنگ این قلعه در اوراق تاریخ، نشانگر موقعیت ارزنده این قلعه در گذشته و نقش فراموشی شده آن در زمان حاضر دارد. اگر این اثر به درستی برای بازدیدکنندگان معرفی شود، به ویژه با وجود قرارگرفتن در کنار شاهراه اصلی جنوب خراسان، برای بسیاری از گردشگران جالب توجه و حتی خاطره‌انگیز خواهد بود. جا دارد با توجه نمودن به قلاع این منطقه، سهم درخوری را برای جلب توریسم به این ناحیه در نظر بگیریم و مکانی که هم ارزش طبیعی و هم تاریخی دارد را از غبار مظلومیت شسته و در دید جهانیان قرار دهیم. این قلعه بهترین مدل در تلفیق دو حوزه تاریخ و زمین‌شناسی است که می‌تواند پژوهش‌های میدانی بسیاری را دنبال کند.



یادداشت‌ها:

- ۱ جعفری، عباس: شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۶۶، ص ۲۴.
- ۲ ابوالفداء: تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمدآیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۵۱۲؛ حموی، یاقوت: معجم البلدان، بیروت، دارصادر، بی تا، ص ۴۱۶.
- ۳ لسترنج، گی: جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳۷۷. اسدی توسی، علی بن احمد: گرشاسب نامه، باهتمام حبیب یغمایی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳.
- ۴ اسدی توسی، علی بن احمد: گرشاسب نامه، باهتمام حبیب یغمایی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳.
- ۵ فردوسی توسی، ابوالقاسم: شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۱.
- ۶ ولایتی، سعیدالله / توسلی، سعید: منابع و مسایل آب خراسان، مشهد، آستان‌قدس، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸.
- ۷ حاتمی‌نژاد، حسین: جغرافیای شهرستان قاینات، مشهد، آستان‌قدس، ۱۳۸۰، ص ۲۹. همان کتاب، ص ۳۶.
- ۸ همان کتاب، ص ۳۶. سایکس، سرپرسی: سفرنامه، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۶، ص ۴۰۴.
- ۹ سایکس، سرپرسی: سفرنامه، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۶، ص ۴۰۴.
- ۱۰ اسماعیل‌نژاد، محمد: تاریخ قاین، قم، بلاغت، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵. مقدسی، ابوعبدالله: احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۲، تهران، مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۳۶؛ همچنین: ن. ک. به؛ حافظ ابرو، ابوعبدالله: جغرافیای ربیع هرات، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۵.
- ۱۱ مقدسی، ابوعبدالله: احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۲، تهران، مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۳۶؛ همچنین: ن. ک. به؛ حافظ ابرو، ابوعبدالله: جغرافیای ربیع هرات، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۵. سیستانی، ملک شاه حسین: احیاء الملوک، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۸.
- ۱۲ سیستانی، ملک شاه حسین: احیاء الملوک، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۸.

- ۱۳ ابن حوقل، ابوالقاسم محمد: سفرنامه ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، ص ۱۸۰.
- ۱۴ مارکوپولو: سفرنامه، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۳۵.
- ۱۵ اصطخری، ابواسحاق: مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، ج ۳، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵. گنجی، محمد حسن: اطلس اقلیمی ایران، تهران، موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۱۶ گنجی، محمد حسن: اطلس اقلیمی ایران، تهران، موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۱۷ حافظ ابرو - رشید الدین فضل الله - ابوالقاسم کاشانی: مجمع التواریخ السلطانیه، به اهتمام محمد مدرس، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۶۴، ص ۲۰۱. شبانکاره‌ای، محمد بن علی: مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۷، همچنین برای آگاهی بیشتر در این زمینه: ن. ک. به: نگارنده: تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۴۱۵.
- ۱۸ شبانکاره‌ای، محمد بن علی: مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۷، همچنین برای آگاهی بیشتر در این زمینه: ن. ک. به: نگارنده: تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۴۱۵. منهاج سراج: طبقات ناصری، به تصحیح عبد الحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸۳.
- ۱۹ منهاج سراج: طبقات ناصری، به تصحیح عبد الحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸۳.
- ۲۰ کاشانی، جمال الدین: زبده التواریخ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، ج ۲، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۴. خواجه نصیر الدین طوسی: شیوه دانش پژوهی (ترجمه و شرح رساله آداب المتعلمین)، ترجمه و شرح از باقر غباری، تهران، کوکب، ۱۳۶۴، ص ۲۵.
- ۲۱ خواجه نصیر الدین طوسی: شیوه دانش پژوهی (ترجمه و شرح رساله آداب المتعلمین)، ترجمه و شرح از باقر غباری، تهران، کوکب، ۱۳۶۴، ص ۲۵. خواندمیر، غیاث الدین: دستور الوزراء، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۱۷، ص ۹۹.
- ۲۲ خواندمیر، غیاث الدین: دستور الوزراء، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۱۷، ص ۹۹.
- ۲۳ خواجه نصیر الدین طوسی: اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۹.
- ۲۴ خواندمیر: دستور الوزراء، ص ۹۹-۱۰۰. حائری، عبدالهادی: ایران و جهان اسلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹.

- ۲۵ حائری، عبدالهادی: ایران و جهان اسلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹. جهت آگاهی و تفصیل بیشتر؛ ن. ک. به؛ سعیدزاده، سیدمحسن: بزرگان قاین، قم، نشر ناصر، ۱۳۶۹.
- ۲۶ جهت آگاهی و تفصیل بیشتر؛ ن. ک. به؛ سعیدزاده، سیدمحسن: بزرگان قاین، قم، نشر ناصر، ۱۳۶۹.
- ناصر خسرو: سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱.
- ۲۷ ناصر خسرو: سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱. فلاح رستگار، علی / توکلی زاده، اکبر: معادن استان خراسان، مشهد، اداره کل معادن و فلزات خراسان، ۱۳۶۶، ص ۲۷.
- ۲۸ فلاح رستگار، علی / توکلی زاده، اکبر: معادن استان خراسان، مشهد، اداره کل معادن و فلزات خراسان، ۱۳۶۶، ص ۲۷.

